



درها به روی تعامل باز است

علی‌اکبر ولایتی در مصاحبه با روزنامه فایننشال تایمز به حمله رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران و تحولات منطقه‌ای پرداخت. ولایتی در این مصاحبه گفت: «رژیم صهیونیستی کوچکتر از آن است که با ایران که یک قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی است درگیر شود، ولی به‌عنوان یک آتش‌بیار معرکه می‌تواند خاورمیانه را که حساس‌ترین منطقه جهان است به آتش بکشد و جرقه‌ای به انبار باروت منطقه بزند و ایران کشوری است که می‌تواند خود و دوستانش را از این آتش‌افروزی دور نگه دارد و تنها مجموعه‌ای که می‌تواند این اشترار صهیونیستی منطقه را سر جای خود بنشانند، مجموعه مقاومت می‌باشد. ما در تاریخ شروع کننده هیچ جنگی نبوده‌ایم و جنگ تحمیلی نمونه بارز و مصداق عینی این موضوع است، ولی با هر تجاوز به گونه‌ای قاطعانه برخورد می‌کنیم که متجاوز را پشیمان کند. آمریکا در چند میدان ایفای نقش می‌کند؛ یکی اینکه رژیم صهیونیستی را تا دندان مسلح می‌کند و در مجامع بین‌المللی از آن‌ها حمایت کرده و هیچ اقدام جدی در جهت جلوگیری از جنایات این رژیم کودک‌کش انجام نمی‌دهد. از سوی دیگر مأمورین رسمی آن‌ها همان که مطلوب اسرائیل باشد را بیان می‌کنند و بعد افراد کنارتافته و بازنشسته و دلال‌ها و لابی‌گران منطقه‌ای را فعال می‌کنند و مدعی هستند که می‌خواهند جلوی افزایش تنش را بگیرند و ماباوری به حسن‌نیت آمریکا نداریم، لذا حمایت مستقیم و بی‌چون و چرا از اسرائیل از سویی و دعوت به آرامش توسط دلالان آن‌ها از سوی دیگر در روی یک سکه هستند. کانال‌های ارتباطی همیشه وجود داشته، ولی آمریکا نشان داده که تمایلی به کاهش تنش ندارد. تجربه طولانی و تلخی که ایران در مورد مذاکره با آمریکا داشته نشان می‌دهد که به آن‌ها هیچ اطمینانی نیست. بارزترین این تجربه مربوط به هر جام می‌باشد که دولت اوباما همواره مستقیم و غیرمستقیم از آن حمایت می‌کرد، ولی در زمان رئیس‌جمهور بعدی یعنی ترامپ به کلی منکر تفاهات شد و این سابقه تلخ در روابط ایران و آمریکا وجود دارد. ولی حتماً ما به دنبال تعریف مجدد موازنه با کشورهای دیگر غربی یا شرقی یا جهان سوم هستیم. ما دست هر کشوری را اعم از اروپایی یا آسیایی یا آفریقایی که برای دوستی به سمت ما دراز شود می‌فشاریم. هر کشور غربی هم اگر بخواهد با ایران تعامل درست و بدون مداخله در امور داخلی و با حقوق برابر داشته باشد درهای جمهوری اسلامی ایران به روی آن‌ها باز است؛ و سابقه ما از ابتدای انقلاب به‌ویژه دوران وزارت خارجه بنده این موضوع کاملاً مشهود بود و روابط بسیار خوبی با کشورهای مهم اروپایی از طرفی و کشورهای شرقی از طرف دیگر، برقرار کرده بودیم.



احضار کاردار ایران در آلمان

وزارت امور خارجه آلمان در پی اعدام سرکرده گروهک تروریستی «تندر» که یک شهروند دو تابعیتی ایرانی-آلمانی بود، از احضار کاردار ایران در این کشور و همچنین فراخواندن سفیر خود از تهران خبر داد. در پی اعدام «جمشید شامزهد» سرکرده گروه تروریستی «تندر» در ایران، وزارت امور خارجه آلمان که پیشتر نیز در یک موضع‌گیری از این اقدام برآشفتنه و آن را محکوم کرده بود، اعلام کرد که کاردار ایران را، روز سه‌شنبه به وزارت امور خارجه آلمان احضار کرده است. وزارت امور خارجه آلمان در پیامی در صفحه رسمی خود در شبکه اجتماعی ایکس با اعلام این موضوع نوشت: ما اعتراض شدید خود را به این اقدام به حکومت ایران ابراز داشته‌ایم و حق اقدامات اضافی را در این ارتباط محفوظ می‌دانیم. این وزارتخانه همچنین اعلام کرد: سفیر آلمان در تهران نیز، با وزیر امور خارجه ایران دیدار کرده و «شدیدترین اعتراض» خود را درباره اعدام شامزهد ابراز کرده است. سپس «آنانا پاتریوک» وزیر امور خارجه، سفیر را برای اریزنی به برلین فراخواند.

در متن این موافقتنامه آمده بود: «دولت شاهنشاهی ایران و دولت متحده آمریکا نظر به این که مایلند اعلامیه‌ای را که در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۸ در لندن به آن ملحق شده‌اند مورد اجرا گذارند. نظر به این که به موجب ماده اول پیمان همکاری متقابل که در بغداد در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ به امضاء رسیده امضاکنندگان موافقت کرده‌اند که برای امنیت و دفاع خود اشتراک مساعی نمایند و همچنین چون به شرح مندرج در اعلامیه مذکور در فوق دولت کشورهای متحده آمریکا به منظور صلح جهانی قبول کرده است که با دولت‌هایی که اعلامیه مذکور را برای امنیت و دفاع کشور خود امضاء کرده‌اند اشتراک مساعی نمایند. با ملاحظه این که در اعلامیه فوق اعضاء پیمان همکاری متقابل که اعلامیه را امضاء کرده‌اند تصمیم خود را در حفظ امنیت دسته‌جمعی و مقاومت در مقابل تجاوز مستقیم و غیرمستقیم تأیید نموده‌اند. به علاوه نظر به این که دولت کشورهای متحده آمریکا در کارهای کمیته‌های عمده پیمان همکاری متقابل که در بغداد در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ به امضاء رسیده پیوستگی دارد. نظر به علاقه به تحکیم صلح بر طبق اصول منشور ملل متحد. نظر به این که دو دولت حق خود را در اشتراک مساعی برای امنیت و دفاع خود طبق ماده ۱۵ منشور ملل متحد تأیید می‌نمایند. نظر به این که دولت کشورهای متحده آمریکا حفظ استقلال و تمامیت کشور شاهنشاهی ایران را برای منافع ملی خود و صلح جهانی امر حیاتی تشخیص می‌دهد. نظر به این که اختیاراتی را که کشورهای متحد آمریکا برای دادن مساعدت‌های مقتضی به موجب قانون امنیت مشترک مصوب سال ۱۹۵۴ و اصلاحات آن و همچنین به موجب قطعنامه مشترک برای ایجاد صلح و ثبات در خاورمیانه به رئیس‌جمهوری آمریکا داده است به رسمیت می‌شناسد. نظر به این که موافقتنامه‌های مشابهی بین دولت آمریکا و دولت ترکیه و دولت پاکستان جداگانه منعقد شده است. به شرح زیر موافقت می‌کنند:

۱- دولت شاهنشاهی ایران مصمم است که در مقابل تجاوز مقاومت کند. در صورت تجاوز به کشور ایران دولت کشورهای متحده آمریکا طبق قانون اساسی آمریکا اقدامات مقتضی را که شامل استفاده از نیروی نظامی خواهد بود به طوری که مورد توافق طرفین باشد و به شرح مندرج در قطعنامه مشترک برای ایجاد صلح و ثبات در خاورمیانه به منظور مساعدت با دولت شاهنشاهی ایران بر حسب درخواست آن دولت به عمل آرد.

۲- دولت کشورهای متحده آمریکا طبق قانون امنیت مشترک مصوب سال ۱۹۵۴ و اصلاحات آن و قوانین مربوطه کشورهای متحد آمریکا و طبق قراردادهای مربوطه که بین دولت ایران و دولت کشورهای متحده آمریکا تاکنون بسته شده یا بعد از این بسته خواهد شد بار دیگر تأیید می‌کند که به مساعدت‌های نظامی و اقتصادی به نحوی که دولت ایران و دولت کشورهای متحده آمریکا توافق کنند برای کمک به دولت ایران در حفظ استقلال ملی و پیشرفت مؤثر اقتصاد آن کشور ادامه خواهد داد.

۳- دولت شاهنشاهی ایران تعهد می‌کند که این گونه مساعدت‌های نظامی و اقتصادی را که دولت کشورهای متحده آمریکا به عمل می‌آورد به نحوی که با منظورهای و مقاصد که دول امضاکننده اعلامیه لندن مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۸ مقرر داشته‌اند موافق باشد و به منظور ایجاد وسیله مؤثر برای توسعه اقتصاد کشور ایران در حفظ استقلال و تمامیت آن کشور مورد استفاده قرار دهد.

۴- دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحده آمریکا با سایر دولی که به اعلامیه لندن مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۸ پیوستگی دارند به منظور تهیه شرکت در اقدامات دفاعی که طرفین آن را مطلوب تشخیص دهند به شرط موافقت با سایر شرایط مندرج در این موافقتنامه اشتراک مساعی خواهند نمود.

۵- مواد این موافقتنامه فعلی در اشتراک مساعی که دو دولت به شرح پیش‌بینی شده در قراردادهای بین‌المللی با ترتیبات دیگر به عمل خواهند آورد مؤثر نخواهد بود.

۶- این موافقت از تاریخ امضای آن مجرا است و تا مدت یک سال پس از وصول یادداشت کتبی از هر یک از دول دولت مبنی بر این که قصد دارند به‌آن خاتمه دهند به قوت خود باقی خواهد بود. این قرارداد در دو نسخه در تاریخ ۱۴ اسفند ماه ۱۳۳۷ تحریر یافت.

از طرف دولت شاهنشاهی ایران - سرلشگر حسن ارفع از طرف دولت کشورهای متحده آمریکا - فلیچر وارن» این پیمان نظامی میان ایران و ایالات متحده آمریکا نقطه پایانی روند ادغام ارتش ایران در نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا بود و ارتش ایران را به طور کامل به حمایت آمریکا وابسته کرد و روابط آنان را تا بالاترین سطح ارتقا داد که منجر به حوادث بعدی از جمله کاپیتولاسیون مستشاران نظامی آمریکایی در سال ۱۳۴۳ و حوادث مربوط به آن شد. روند اتفاقات در دهه‌های بعدی نشان داد که محمدرضا شاه پهلوی با وجود اتکا بر نیروی نظامی آمریکا نتوانست سلطنت خود را با اتکا بر نیروی خارجی بیمه و حفظ کند و با وجود بیم او از خطرات خارجی چیزی که حکومت او و مردم بود و تهدید می‌کرد استبداد و فساد و شکاف میان حکومت و توده مردم بود و پیمان نظامی با آمریکا نیز نتوانست او را از سرنوشت محکوم انقلاب رهایی دهد.

ب - آزادی وجدان و حق اجرای مراسم مذهبی.
ج - اجازه اشتغال به فعالیت‌های نوع‌پرورانه و تربیتی و علمی و...

د - حق جمع‌آوری و ارسال اطلاعات جهت انتشار در خارجه برای آگاهی عامه مردم و به طریق دیگر ارتباط یافتن با اشخاصی که داخل یا خارج آن قلمرو هستند. همچنین آنها مجاز خواهند بود به مشاغل و حرفی که برای آن واجد صلاحیت می‌باشند طبق مقررات قانون مربوط به اجازه اشتغال به مشاغل و حرف مزبور اشتغال یابند.

۳- مقررات بند ۱ و ۲ این ماده متفرع بر حق هر یک از طرفین معظمین متعاهدین است که برای حراست نظم و امنیت عمومی و حفظ بهداشت و اخلاق اقدامات لازم به عمل آرد و همچنین به دلائل مزبور اتباع خارجه را اخراج کند به آنها اجازه ورود ندهد یا مسافرت آنها را در داخله خود محدود سازد.

۴- اتباع هر یک از طرفین معظمین متعاهدین در قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر از حد اعلائی حمایت و امنیت پایدار برخوردار خواهند بود. هر موقع چنین فردی در بازداشت باشد از هر جهت به نحو عادلانه و با انسانیت و اوی رفتار خواهد شد و طبق تقاضای او بی‌آنکه تأخیر غیرلازمی روی دهد به‌نماینده سیاسی یا کنسولی کشور او اطلاع و فرصت کامل داده خواهد شد تا منافع او را محافظت نماید. اتهاماتی که علیه او اقامه شده به اسرع اوقات به اطلاع او خواهد رسید و کلیه تسهیلاتی که جهت دفاع وی به نحو معقول لازم باشد فراهم خواهد شد و پرونده او فوراً و بی‌طرفانه مورد رسیدگی و قطع و فصل قرار خواهد گرفت.»

این عهدنامه مؤدت که تاکنون نیز ملغی نگردیده و حتی در محاکم قضایی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده به کرات مورد استناد و طرف قرار گرفته است شرایط فوق‌العاده‌ای را برای سرمایه‌گذاران و تجار و بازرگانان دو طرف در نظر گرفته بود که با توجه به توان اقتصادی دو کشور قطعاً به سود طرف آمریکایی بود و شرایط را برای سرمایه‌گذاری گسترده در ایران برای آمریکا فراهم کرد. هم‌زمان در سال ۱۳۳۴ دولت آمریکا ده میلیون دلار از اعتبار قرضه آمریکا برای کمک به ایران اختصاص دهد که این مبلغ برای ساخت کشتارگاه تهران، مرمت راه‌ها، مخابرات تلفنی، راه‌آهن و از همه مهمتر «ارتباطات پلیسی» به مصرف رسید. در همین سال سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) با کمک آمریکا بیش از همه با هدف مقابله با تشکیلات مخفی کمونیستی تشکیل و راه‌اندازی شد.

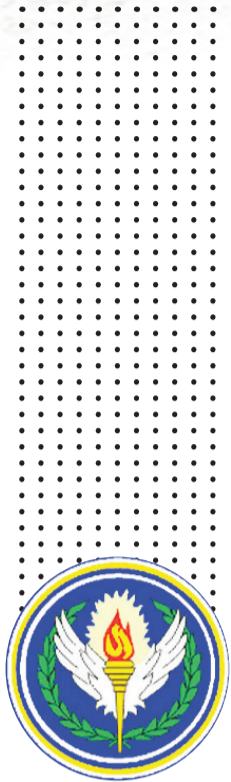
▼ سنتو و پیمان دفاعی ایران و آمریکا

نقطه عطف سوم در روابط ایران و آمریکا با تشکیل سازمان پیمان مرکزی سنتورخ داد. با تشکیل این اتحادیه نظامی که با عضویت بریتانیا، ترکیه، عراق و ایران و پاکستان و با هدف مقابله با تهدید احتمالی اتحاد جماهیر شوروی تشکیل شده بود روابط نظامی این کشورها با سازمان پیمان آتلانتیک شمالی گسترش یافت. آمریکا هرچند به خاطر مسائل حقوقی هرگز رسماً به عضویت کامل سازمان درنیامد اما به‌عنوان عضو ناظر در همه فرآیندهای سنتو حضور و حتی تسلط داشت و کشورهای عضو نیز به صورت کامل برتری آمریکا را که عضو سازمان نبود می‌پذیرفتند و وابستگی کاملی به این کشور داشتند.

با این حال رخداد کودتای عبدالکریم قاسم در عراق و کشتار خاندان سلطنتی به شدت محمدرضا شاه را برآشفت کرد چراکه ارتش عراق که عضو پیمان سنتو محسوب می‌شد و قاعدتاً باید در چارچوب این پیمان عمل می‌کرد در کودتایی خوین نه‌تنها خاندان سلطنتی را به طرز وحشیانه‌ای به قتل رساند بلکه از پیمان سنتو نیز خارج شده و به زودی وارد مناقشه نظامی و مرزی با ایران شد.

محمدرضا شاه در این زمینه اعلام کرد: «پیمان بغداد بدون شرکت آمریکا به درد نمی‌خورد یا آمریکا باید وارد پیمان بغداد بشود یا ما از پیمان بغداد خارج می‌شویم. این چه پیمانی است که عراق که یکی از کشورهای عضو پیمان بغداد است از کشورهای اولیه بوده است که عضو پیمان بغداد شده این اتفاق عجیب و فجیع روی می‌دهد و هیچ‌کدام از هم‌پیمانان کاری نمی‌کنند دست رو دست هم گذاشتند و تماشا کردند.»

محمدرضا شاه با تهدید به خروج از پیمان سنتو و حتی قرارداد دفاعی با شوروی موفق شد آمریکا را به قرارداد دفاعی دوجانبه‌ای با عنوان «موافقتنامه همکاری بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحده آمریکا» که ۱۴ اسفند ۱۳۳۷ در آنکارا مرکز سازمان سنتو به امضا رسید ملزم کند که اهدافش از حضور آمریکا در پیمان سنتو را برآورده می‌کرد. براساس این پیمان دوجانبه مقرر شد از آنجایی که: «دولت شاهنشاهی ایران مصمم است که در مقابل تجاوز مقاومت کند. در صورت تجاوز به کشور ایران دولت کشورهای متحده آمریکا طبق قانون اساسی آمریکا اقدامات مقتضی را که شامل استفاده از نیروی نظامی خواهد بود؛ به‌طوری که مورد توافق طرفین باشد و به شرح مندرج در قطعنامه مشترک برای ایجاد صلح و ثبات در خاورمیانه به منظور مساعدت با دولت شاهنشاهی ایران بر حسب درخواست آن دولت به عمل آرد.»



با تشکیل سنتو که

با عضویت بریتانیا، ترکیه، عراق و ایران و پاکستان

و با هدف مقابله با تهدید احتمالی

اتحاد جماهیر شوروی تشکیل

شده بود روابط نظامی این کشورها

با سازمان پیمان آتلانتیک شمالی

گسترش یافت.

آمریکا هرچند به خاطر مسائل

حقوقی هرگز رسماً با عضویت کامل

سازمان درنیامد اما به‌عنوان عضو ناظر

در همه فرآیندهای سنتو حضور و حتی

تسلط داشت و کشورهای عضو نیز

به صورت کامل برتری آمریکا را

که عضو سازمان نبود می‌پذیرفتند و

وابستگی کاملی به این کشور داشتند

متحده آمریکا پیش از کودتای ۲۸ مرداد، با تصویب قانون «اجازه خرید ده میلیون دلار ساز و برگ و اسلحه و مهمات از دولت متحده آمریکا» در ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۲۶ رخ داد. این قرارداد بی‌سابقه نخستین قرارداد خرید عمده سلاح ایران از آمریکا بود و درست پس از پایان بحران آذربایجان و پایان اشغالگری شوروی و موج نفرت از شوروی اتفاق می‌افتاد و بازتاب نقش آمریکا برای پایان دادن به حضور ارتش شوروی در ایران بود. این قرارداد بخشی از طرح مارشال آمریکا بود. اهداف ایالات متحده از طرح مارشال کمک به بازسازی مناطق جنگ‌زده، رفع موانع تجاری، مدرن‌سازی صنعت، بهبود وضعیت اقتصادی پس از جنگ اعلام شد اما هدف اصلی آن جلوگیری از گسترش کمونیسم بود. در مصوبه مجلس آمده بود: «مجلس شورای ملی از نظر تکمیل وسائل مخابرات و ارتباط و بهداری و ساز و برگ و اسلحه و مهمات مورد نیاز نیروهای زمینی و هوایی ارتش شاهنشاهی و ژاندارمری و شهربانی به وزارت جنگ اجازه می‌دهد که این وسائل را در حدود مبلغی که از ده میلیون دلار تجاوز ننماید از ممالک متحده آمریکا که بنا به گزارش دولت شرایط مقرون‌به‌صرفه را در این معامله پیشنهاد داده است خریداری نماید و بهای آن را طی مدتی که کمتر از دوازده سال نباشد از تاریخ اول ژانویه ۱۹۵۰ (دهم دی‌ماه ۱۳۲۸) به اقساط متساوی با سود سالیانه از قرار (۸). (۲۳) درصد بپردازد.»

در آن زمان منابع خبری آمریکا، حجم معامله نظامی آن کشور با ایران را به مراتب بیشتر از آنچه که مقامات سیاسی دو کشور به آن اشاره کرده بودند، اعلام کردند. به نوشته روزنامه‌های آمریکا و اظهارات هنری والاس معاون ریاست‌جمهوری و وزیر بازرگانی سابق آن کشور، بهای واقعی جنگ‌افزارها و وسایل مزبور سر به ۷۰ میلیون دلار می‌زد. با این حال دولت آمریکا هنوز این مقدار جنگ‌افزار را برای تقویت ارتش ایران کافی نمی‌دانست. از این رو با استناد به «اصل ۴ ترومن» که در ۳۰ دی ۱۳۲۷ به تصویب کنگره رسیده بود، تلاش نمود تا کمک‌های بیشتری در اختیار ایران و سایر کشورهایی که در چهارچوب منافع منطقه‌ای آمریکا باید تسلیح و تقویت می‌شدند قرار دهد. هدف از همه این اقدامات مقابله با تهدید احتمالی شوروی قلمداد می‌شد. در مهر ۱۳۲۶ توسط جرج آلن سفیر آمریکا در تهران و محمود جم وزیر جنگ به امضا رسید که به موجب آن مدت خدمت مستشاران نظامی آمریکا در ایران تا پایان اسفند ۱۳۲۷ تمدید شد. این موافقتنامه که به موجب آن دولت ایران تمام اسرار و اطلاعات فنی خود را در اختیار مستشاران آمریکا قرار می‌داد، مشتمل بر ۵ فصل و ۲۵ ماده بود. قرارداد بدون اجازه و تصویب مجلس شورای ملی امضا شد و در سال‌های بعد با تغییرات عبارتی مختصر مرتباً تمدید گردید و تا سقوط رژیم شاه همچنان به قوت خود باقی ماند. در سال ۱۳۲۲ تعداد مستشاران نظامی برای ارتش به ۳۰ نفر، برای ژاندارمری به ۸ نفر و برای شهربانی به یک نفر محدود بود اما با گسترش روابط روزبه‌روز بر تعداد این مستشاران افزوده می‌شد و هر چه روابط نظامی ایران و آمریکا عمیق‌تر می‌شد میزان تسلط و نفوذ آمریکا نیز در ارتش ایران افزایش می‌یافت و وابستگی ایران نیز بیشتر می‌شد.

▼ کودتای ۲۸ مرداد و گسترش وابستگی

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نقطه عطف بعدی در روابط ایران و آمریکا بود. اگر آمریکا در جریان پایان اشغال آذربایجان توسط شوروی یکی از عوامل مؤثر در این زمینه بود اما در کودتای ۲۸ مرداد قطعاً مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل محسوب می‌شد و اساساً عملیات کودتا با فرماندهی آمریکایی‌ها به وقوع پیوسته بود و آمریکا همان‌گونه که سهم چهل درصدی از منابع نفتی ایران کسب کرد در حوزه‌های نظامی و امنیتی نیز نفوذ و حضورش در ایران را گسترش داد.

در بیست‌وسوم مرداد ۱۳۳۴ عهدنامه مؤدت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و دول متحده آمریکا به امضا رسید که براساس آن: «ماده ۱- بین ایران و دول متحده آمریکا صلح استوار و پایدار و دوستی صمیمانه برقرار خواهد بود.

ماده ۲- ۱- اتباع هر یک از طرفین معظمین متعاهدین مجاز خواهند بود که به قصد بازرگانی بین کشور خود و قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر و اشتغال به فعالیت‌های تجاری مربوطه به آن و به قصد توسعه و هدایت عملیات مربوطه به کاری که مقدار معتناهی سرمایه در آن کار نهاده‌اند یا عملاً درحال گذاردن سرمایه می‌باشند به قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر وارد شوند و در آن جا اقامت کنند و شرایط چنین اجازه به هیچ وجه نامساعدتر از شرایطی نخواهد بود که در مورد اتباع هر کشور ثالثی قائل می‌شوند.

۲- اتباع هر یک از طرفین معظمین و متعاهدین در قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر منفرداً یا به وسیله هیأت‌ها (Associations) و مادام که فعالیت ایشان مغایر نظم عمومی یا امنیت یا اخلاق نباشد از مراتب ذیل برخوردار خواهند بود:

الف - اجازه مسافرت آزاد در داخله و اختیار سکونت در هر محل.